

دانش و پژوهش در روان‌شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره سی و دوم - تابستان ۱۳۸۶

صص ۱۸۶ - ۱۶۷

مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانشجویان دارای والد همجنس و بدون والد همجنس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

علیرضا حیدرئی^۱ - غلامرضا پاشا^۲

محمد رضا برنا^۳ - احسان کاظمی^۴

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه خصوصیات شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) دانشجویان دختر بدون مادر با دانشجویان دارای مادر و مقایسه خصوصیات شخصیتی دانشجویان پسر بدون پدر با دانشجویان دارای پدر بود. حجم نمونه در این پژوهش ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت IPIP-NEO بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل واریانس چندمتغیره، با سطح معناداری ($P < 0/05$) استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز docheidarie43@Yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

۳- کارشناس ارشد روان‌شناسی

۴- کارشناس ارشد روان‌شناسی

که بین دانشجویان دختر بدون و دارای مادر و همچنین بین دانشجویان پسر بدون و دارای پدر، حداقل از لحاظ یکی از ویژگیهای شخصیتی (روان‌نژندی، برونگرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) تفاوت معناداری وجود دارد و میزان توافق دختران بدون مادر بیش از دختران دارای مادر بود. همچنین مشخص شد که ویژگیهای توافق و با وجدان بودن در پسران بدون پدر بیش از پسران دارای پدر بود.

کلید واژه‌ها: ویژگیهای شخصیتی، دانشجویان بدون و دارای والد همجنس.

مقدمه

امروزه یکی از مسائل مهم جامعه ما، آمار بالای نوجوانان و جوانانی است که در حال گذراندن سنین هویت‌یابی خود هستند و تعداد افرادی که به هر دلیل دچار محرومیت از پدر و مادر هستند، نیز قابل توجه است. این محرومیت یک موقعیت خاص خانوادگی است که به‌عنوان یک متغیر مهم محیطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر ویژه‌ای بر روی رشد کودک در تمام مراحل زندگی و به‌خصوص در زمینه شکل‌گیری شخصیت داشته است. محرومیت از یکی از والدین سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد (لامب،^۱ ۱۹۸۱) در گذشته نقش پدر اساساً از نظر نقشی که در تأمین نیازهای خانواده و تأمین معاش و روزی‌رسان داشت، مطرح بود و مسئولیت مراقبت و نگهداری و تربیت کودکان به عهده مادران گذاشته شده بود. در سالهای اخیر به نظر می‌رسد برخی از فرضیاتی که قدمت طولانی در تفسیر نقش پدر و مادر در پرورش کودک داشته‌اند، تغییر و تحول یافته است (لامب، ۱۹۸۱).

لویس و ابرین^۲ (۱۹۸۷) معتقدند که امروزه پدران در مقایسه با ذهنیات و فرضیات گذشته، نقش‌های متفاوتی را در پرورش و مراقبت کودک ایفا می‌کنند. به‌طور کلی این امر پذیرفته شده است که والدین بر رشد شخصیت با همه جنبه‌های قوت و ضعف آن به‌شدت تأثیر می‌گذارند و غیبت یکی از این دو یا هر دو اثر نامطلوبی بر رشد شخصیت دارد و شخص را مستعد ابتلای به بیماریهای روانی و مشکلات رفتاری می‌کند. سینگ با تکیه بر نظریه باولبی مدعی است که کودکان در مقایسه با بزرگسالان ظرفیت کمتری برای سازگاری و مواجهه با غیبت و سوگ یک والد دارند و موفقیت‌های فشارزا می‌تواند منجر به وابستگی شدید این کودکان به والدین گردد.

1 – Lamb, M.E

2 – Lewis, C. & Obrin, M

فقدان یکی از والدین در سنین اولیه کودکان را نسبت به افسردگی ناشی از حوادث فشارزای درک شده آسیب‌پذیر می‌سازد، بنابراین استدلال می‌شود که فقدان والدین ممکن است تأثیر فوری بر سازگاری کودک داشته باشد (سینگ^۱ و همکاران، ۱۹۸۱).

نظریه‌پردازان در خصوص جنبه‌های مختلف رشد شخصیت انسان مطالب گوناگونی را مورد توجه قرار داده‌اند. نظریه روانکاوی روی تأثیرات مستقیم والدین بر شخصیت به خصوص پدر بر شخصیت پسر تأکید دارد و به وابستگی‌ها و دلبستگی‌های والدین اشاره می‌کند. نظریه یادگیری اجتماعی بر تقویت، تنبیه، همانندسازی و تقلید به‌عنوان فرایندهای اساسی برای اجتماعی شدن و رشد شخصیت تأکید دارد (هترینگتون^۲، ۱۹۷۶).

غیبت والدین ممکن است تأثیرات مستقیم مانند محروم شدن کودک از الگوی نقش مرد و زن و یا تأثیرات غیرمستقیم مانند حمایت والد داشته باشد. از طرف دیگر بروز مشکلات و نابهنجاری‌ها در سن نوجوانی موجب نگرانی‌های عمیق برای خانواده و جامعه می‌شود و نوجوان را در وضعیتی بحرانی قرار می‌دهد. نوجوانان به دنبال کسب مناسب‌ترین نقش‌ها و مکتب‌ها هستند تا با احساس هویت نیرومندی از این مرحله بیرون بیایند و برای روبه‌رو شدن با بزرگسالی به اطمینان و قطعیت برسند و شخصیتی واحد و کاملاً منسجم برای خود ایجاد کنند. هویتی که نوجوان را به جایگاه اجتماعی، رشته تحصیلی، شغل و تشکیل کانون خانوادگی موفق رهنمود می‌نماید (شولتز، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱).

مجتهدزاده (۱۳۸۲) در بررسی ۲۱۶ دانش‌آموز دارای ناپدیری و نامادری و دارای پدر و مادر واقعی به این نتیجه رسیده است که میزان افسردگی و اضطراب دانش‌آموزان دارای ناپدیری و نامادری بیشتر از دانش‌آموزان دارای پدر و مادر واقعی است.

خیاط غیائی (۱۳۸۱)، در بررسی ۲۴۴ دانش‌آموز بدون پدر و دارای پدر، به این نتیجه رسیده است که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان بدون پدر و دارای پدر از لحاظ سلامت روان مشاهده می‌شود.

پورفرجی (۱۳۸۰)، در بررسی ۲۰۰ دانش‌آموز بدون پدر و دارای پدر به این

نتیجه رسیده است که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان بدون پدر و دارای پدر از لحاظ سلامت روان مشاهده نشد.

ایزدفر (۱۳۸۰)، در بررسی ویژگی‌های شخصیتی ۱۸۰ دانش‌آموزان بدون پدر و دارای پدر در دبیرستانهای شهرکرد، به این نتیجه رسیده است که میانگین نمرات احساس گناه، روان‌پریشی، خصومت و افکار پارانویا در دانش‌آموزان بدون پدر بیشتر از دانش‌آموزان گروه گواه و دارای پدر بود. از نظر افسردگی، اضطراب و حساسیت بین فردی به ترتیب میانگین گروه‌های دارای پدر و گواه بیشتر از یتیم بود. میانگین نمرات دختران دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های تجسم‌سازی، افکار پارانویا، اضطراب فوبیک، افسردگی، اضطراب، حساسیت بین فردی، وسواس، افکار مرگ و احساس گناه به نحو معناداری بالاتر از پسران بود. حبیبی‌نیا و صفی‌خانی (۱۳۷۴)، در بررسی ۳۰۰ دانش‌آموز شاهد و دیگر دانش‌آموزان دبیرستانهای دخترانه به این نتیجه رسیدند که بروز و شدت افسردگی در میان فرزندان شهدا بیش از سایر همسالان است. فقدان پدر به‌عنوان علت اصلی افزایش بروز افسردگی در فرزندان شهدا نسبت به دیگر همسالان مطرح شد.

یحیایی (۱۳۷۳)، در بررسی ۱۶۷ نفر از دانش‌آموزان بدون پدر شهرستان رودبار و ۱۶۶ نفر از دانش‌آموزان دارای پدر به این نتیجه رسیده است که میزان افسردگی دانش‌آموزان فاقد پدر بیشتر از دانش‌آموزان واجد پدر است. میزان عزت نفس دانش‌آموزان فاقد پدر کمتر از دانش‌آموزان واجد پدر است. بین عزت نفس و افسردگی همبستگی معکوس وجود دارد.

بخشی (۱۳۷۱) در بررسی میزان افسردگی و پرخاشگری در کودکان شاهد به این نتیجه رسیده است که کودکان شاهد از نبودن پدر رنج می‌برند و احساسات و عواطف ناخوشایند خود را به وسیله واکنش‌های بهنجار مانند؛ افسردگی، پرخاشگری، واپس‌روی و امثال آن نشان می‌دهند و پسران به دلیل آنکه والد همجنس خود را از دست داده‌اند، نسبت به دختران دارای موقعیت حساس‌تری هستند و بیش از دختران تحت تأثیر این فقدان قرار می‌گیرند.

رفاهی (۱۳۸۱) در بررسی ۱۲۰ دختر و پسر دبستانی که والدین آنان جدا شده بودند به این نتیجه رسید که وجود والدین در محیط خانواده برای سلامت و بهداشت

روانی کودکان ضروری است. یافته‌های تحقیقی فقدان یکی از والدین را زمینه‌ساز آمادگی و گرایش به اختلالات خلقی، رفتاری، عاطفی و همچنین بیماریهای روانی می‌دانند. آنجل و همکاران (به نقل از ملکی چگنی، ۱۳۸۱) ضمن بررسی ۶۲۸۳ کودک ۴ تا ۱۱ ساله بیان می‌کنند که کودکان خانواده‌های تک والد احتمال بیشتری دارد که مشکلات هیجانی را تجربه کنند و بیش از کودکانی که با هر دو والد زندگی می‌کنند از خدمات بهداشت روانی استفاده کنند. شیل^۱ (۱۹۸۷) در چهار گروه از دانشجویان پس‌آزمون اندریافت موضوع برای ارزیابی میزان اضطراب اختگی اجرا کرد. فرضیه تحقیق نشان داد که پسران محروم از پدر درجه بیشتری از اضطراب اختگی را نمایان می‌کنند. یافته‌های تحقیق این فرضیه را تأیید می‌کند و نیز نشان می‌دهد که پسرانی که پدرشان فوت کرده است از پسرانی که با طلاق از پدر محروم شده‌اند، اضطراب اختگی بیشتری دارند. موسن^۲ و همکاران (۱۹۹۴) تحقیقی بر روی ۲۰۶ دختر و پسر دانشجو انجام دادند. در طی آن دانشجویان به ارزیابی خود، مادر، پدر و یا ناپدری پرداخته‌اند. دانشجویانی که از محیط‌های خانوادگی سالم بودند، خودپنداره‌ای همبسته با ارزشیابی از مادر و پدرشان داشته و نیز دانشجویان محروم از پدر این همبستگی را میان خودپنداره خویش و نحوه ارزشیابی از مادر و ناپدری خود نشان دادند (به نقل از آدامز، میلنر و شریف، ۱۹۸۵).^۳

اسکروت و میشلز^۴ (۱۹۷۴) (به نقل از آدامز، میلنر و شریف، ۱۹۸۵) برای بررسی علل مختلف خودکشی به مطالعه موردی ۹ زن پرداختند، که دست به خودکشی زده بودند. نتایج دلالت بر ساختار ناکام و بی تفاوت «خود» در ایشان دارد که می‌توان آنرا معلول رابطه نامناسب کودک و والدین به‌شمار آورد که این پیوند ضعیف حاصل ناتوانی مادر در نقش‌گذاری زنانه خویش و یا لاقیدی، عداوت و یا غیبت پدر بوده است. فیسکه^۵ (۱۹۷۹)، به بررسی مقایسه‌ای ۱۵۸ کودک پرداختند. وضعیت این کودکان به چهار گروه تقسیم شد. کودکان محروم از پدر با وضعیت متوسط، کودکان محروم از پدر با وضعیت حاد، کودکان دارای وضعیت خانوادگی سالم، کودکان دارای

1 – Shill, M

2 – Mossen, C.A and et al

3 – Adams, P.L, Milner, I.R and Sharif, N.A

4 – Schrou, T and Michels, A

5 – Fiske, D.W

وضعیت خانوادگی سالم اما با پیشینه محرومیت از پدر. محقق معتقد است که تعامل اساسی و ویژه‌ای در میان عوامل زیر صورت می‌گیرد: اول سبک و روش زندگی در خانواده، دوم موقعیت‌های متفاوت اقتصادی، سوم خانواده‌هایی که به واسطه طلاق در معرض نابودی باشند. چهارم خانواده‌هایی که ارزشهای فرهنگی- اقتصادی آنها با هنجارهای طبقه متوسط متفاوت است.

موت و همکاران^۱ (۱۹۹۶) به نقل از پورفرجی (۱۳۸۱) در بررسی ۴۸۲ نوجوان نشان دادند که پسران و دخترانی که پدرانشان آنها را ترک کرده‌اند، نسبت به نوجوانانی که با هر دو والد واقعی خود زندگی می‌کنند مشکلات رفتاری بیشتری از خود بروز داده‌اند. بنابراین با توجه به مقدمه مطرح شده، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا ویژگیهای شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) دانشجویان دختر فاقد مادر و پسر فاقد پدر با دانشجویان دختر و پسر واجد والدین تفاوت دارد؟

روش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است که در پنج دانشکده علوم انسانی، حقوق و علوم سیاسی، فنی و مهندسی، کشاورزی و پرستاری و مامایی بود به این ترتیب که ابتدا اسامی دانشجویان که در حدود ۸۰۰۰ نفر و در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ مشغول به تحصیل بودند انتخاب شدند. سپس براساس در نظر گرفتن ۲۰ درصد از کل جامعه ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. بعد از آن لیست کلیه دانشجویان دارای و بدون پدر و مادر تهیه شد. و میزان درصد آن در هر دانشکده مشخص گردید که ۲۷/۷ درصد بدون پدر و ۷۲/۳ درصد دارای پدر و نیز ۱۵/۲ درصد بدون مادر و ۸۴/۸ درصد دارای مادر بودند. که براساس ۲۰٪ که شامل ۴۰۰ نفر بودند ۴۵ نفر پسر بدون پدر، ۴۵ نفر دختر بدون مادر و ۳۱۰ نفر دختر و پسر دارای پدر و مادر به شیوه تصادفی طبقه‌ای (نسبتی) انتخاب شدند.

روش اجرای تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش که از نوع علی-مقایسه‌ای بود، پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS با تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار تحقیق: در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه فرم کوتاه شخصیت NEO و همچنین برگه اطلاعات توصیفی استفاده گردیده است.

۱- آزمون کوتاه شده شخصیت IPIP-NEO: شاهنده (۱۳۸۳) آزمون کوتاه شده شخصیت NEO را براساس ترجمه و تطابق فرهنگی، بر روی آزمون IPIP-NEO دکتر جانسون ساخت و اعتباریابی کرد. این آزمون دارای ۷۳ ماده است و پاسخگویی به آن به صورت خود گزارش دهی به پنج گزینه کاملاً نادرست، نسبتاً نادرست، نه درست و نه نادرست، نسبتاً درست و کاملاً درست است که ۱۰ دقیقه زمان نیاز دارد. این آزمون خصوصیات شخصیتی را در قالب عوامل با وجدان بودن، برونگرایی، روان‌نژندی و باز بودن می‌سنجد و ۲۷ خرده‌مقیاس دارد، همچنین عامل توافق (پنجمین عامل از پنج عامل شخصیت) نیز در میان سؤالات گنجانده شده و قابل محاسبه است. ضریب پایایی به‌دست آمده از این آزمون در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به روش بازآزمایی بعد از ۴ هفته ۰/۷۵ به‌دست آمده است و نیز ارزیابی و سنجش همسانی درونی آزمون به روش آلفای کرونباخ و تنصیف بر روی نمونه ۵۵۰ نفری به ترتیب برابر با ۰/۷۸ و ۰/۶۵ محاسبه گردیده است که از لحاظ روان‌سنجی ضریبی قابل قبول است. اعتبار آزمون نیز از روش همبستگی میان نمره‌های آزمودنی‌ها در کل مقیاس فرم کوتاه NEO و کل مقیاس آزمون پنج عاملی شخصیت (NEOPI-R) ۲۴۰ سؤالی گروسی (۱۳۸۱) $I = 0.30$ و در سطح $p = 0.05$ معنادار است.

۲- فهرست (چک لیست) اطلاعات زمینه‌ای: در این فهرست، مشخصات توصیفی آزمودنی‌ها سؤال می‌شود. از جمله این مشخصات سن آزمودنی، جنس، رشته تحصیلی، فقدان یا داشتن والدین، علل فقدان والدین اعم از فوت، شهادت و یا طلاق و غیره، به تفکیک پدر و مادر و مدت زمان از دست دادن والد همجنس است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اول: بین ویژگیهای شخصیتی (روان‌نژندی، برونگرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) دانشجویان دختر بدون و دارای مادر تفاوت معنادار وجود دارد. براساس آزمونهای به عمل آمده آزمون (مانوا) برای تحلیل داده‌های آزمودنیها مجاز هستند که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتایج آزمونهای مجاز تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) روی نمرات ویژگیهای شخصیت دانشجویان دختر بدون و دارای مادر

نام آزمون	مقدار	F
Pillai's Race	۰/۰۵۵	۲/۴۱
Wilk's Iambda	۰/۹۴۵	۲/۴۱
Hotteling's Trace	۰/۰۵۹	۲/۴۱
Roy's Largest Root	۰/۰۵۹	۲/۴۱

Df فرضیه = ۵ Df خطا = ۲۲۸ P < ۰/۰۲۸

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری تمامی آزمونها قابلیت استفاده از مانوا را مجاز می‌شمارند که نشان می‌دهد بین دو گروه (دانشجویان دختر بدون و دارای مادر) حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (ویژگیهای روان‌نژندی، برونگرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون تأثیرات بین آزمودنیها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) مربوط به دانشجویان دختر بدون و دارای مادر

متغیرها	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
روان‌نژندی	۱۲۹/۱۸	۰/۷۴	۰/۳۹۰
برونگرایی	۱۵۴/۷۷	۰/۹۶۴	۰/۳۲۷
باز بودن	۲۴۰/۰۱	۳/۶۰	۰/۰۵۹
توافق	۴۴۶/۶۳	۴/۹۰	۰/۰۲۸
با وجدان بودن	۴۹۶/۲۶	۲/۸۶	۰/۰۹۲

درجه آزادی = ۱

براساس نتایج جدول ۲، F مشاهده شده، در خصوص گروه دختران بدون مادر و دختران دارای مادر ($F = ۴/۹۰$ و $P = ۰/۰۲۹$)، از بین خصوصیات شخصیتی از لحاظ ویژگی توافقی تفاوت معنادار بوده است، ولی در بقیه ویژگیها فرضیه تأیید نمی‌شود. با توجه به جدول ۳، بین میانگین نمرات دختران بدون مادر در ویژگی توافقی (۸۷/۷۴) با میانگین دختران دارای مادر (۸۳/۸۴) تفاوت وجود دارد و مشخص شده است که توافق دختران فاقد مادر بیش از دختران دارای مادر است.

جدول ۳- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنیهای فاقد و واجد پدر

گروه	مقیاس	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
دختر فاقد مادر	روان‌نژندی	۷۲/۵۳	۱۲/۵۱	۴۵	۹۲
	برونگرایی	۸۳/۳۳	۹/۳۱	۶۲	۱۰۷
	باز بودن	۶۹/۸۴	۷/۷۳	۵۰	۸۴
	توافق	۸۷/۸۰	۶/۹۱	۷۳	۱۰۴
دختر دارای مادر	با وجدان بودن	۹۰/۸۹	۱۰/۸۹	۶۹	۱۱۵
	روان‌نژندی	۷۱/۶۴	۱۳/۳۳	۱۲	۱۰۹
	برونگرایی	۸۰/۸۵	۱۳/۲۳	۲۰	۱۱۰
	باز بودن	۶۷/۵۹	۸/۳۰	۱۲	۹۰
	توافق	۸۳/۸۴	۱۰/۰۴	۲۱	۱۰۱
	با وجدان بودن	۸۶/۷۸	۱۳/۳۵	۲۷	۱۱۸

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر فاقد مادر در متغیر روان‌نژندی دارای میانگین و انحراف معیار، ۷۲/۵۳ و ۱۲/۵۱ است. همچنین نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر واجد مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۷۱/۶۴ و ۱۳/۳۳ است. نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر فاقد مادر در متغیر برونگرایی دارای میانگین و انحراف معیار، ۸۳/۳۳ و ۹/۳۱ است. همچنین

نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر دارای مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۸۰/۸۵ و ۱۳/۲۳ است. در متغیر باز بودن نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر بدون مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۶۹/۸۴ و ۷/۷۳ است. همچنین نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر دارای مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۶۷/۵۹ و ۸/۳۰ است. در متغیر توافق نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر بدون مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۸۷/۸۰ و ۶/۹۱ است. همچنین نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر و دارای مادر دارای میانگین و انحراف معیار ۸۳/۴۸ و ۱۰/۰۴ است. در متغیر با وجدان بودن نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر بدون مادر دارای میانگین و انحراف معیار، ۹۰/۸۹ و ۱۰/۸۹ است. همچنین نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دختر دارای مادر دارای میانگین و انحراف معیار ۸۶/۷۸ و ۱۳/۳۵ است.

فرضیه دوم: بین ویژگیهای شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) دانشجویان پسر بدون و دارای پدر تفاوت معناداری وجود دارد.

براساس آزمونهای مقدماتی و تعیین مجاز بودن اجرای تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) می‌توان داده به دست آمده را به وسیله تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) مورد بررسی قرار داد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- نتایج آزمونهای تحلیل واریانس چند متغیره روی نمرات

ویژگیهای شخصیت دانشجویان پسر بدون و دارای پدر

نام آزمون	مقدار	F
Pillai's Race	۰/۱۸۷	۴/۱۷
Wilk's Iambda	۰/۸۱۳	۴/۱۷
Hotteling's Trace	۰/۲۳۰	۴/۱۷
Roy's Largest Root	۰/۲۳۰	۴/۱۷

Df فرضیه = ۵ Df خطا = ۱۱۰ P < ۰/۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سطوح معناداری تمامی آزمونها قابلیت استفاده از مانوا را مجاز می‌شمارند. این امر نشان می‌دهد که بین دو گروه (دانشجویان پسر بدون و دارای پدر) حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (ویژگیهای روان‌نژندی، برونگرایی، باز بودن، توافق و با وجدان بودن) تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون تأثیرات بین آزمودنیها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس مربوط به دانشجویان پسر بدون و دارای پدر

متغیرها	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
روان‌نژندی	۳۳۰/۲۷	۲/۱۷	۰/۸۴۳
برونگرایی	۲/۴۶	۰/۰۱۷	۰/۸۹۶
باز بودن	۶/۲۱	۰/۰۱	۰/۹۷۷
توافق	۱۴۰۳/۶۲	۱۳/۹۹	۰/۰۰۰۱
با وجدان بودن	۱۷۹۵/۱۰	۹/۷۶	۰/۰۰۲

درجه آزادی = ۱

براساس نتایج جدول ۵، F مشاهده شده، در خصوص گروه پسران بدون پدر و پسران دارای پدر از لحاظ ویژگی توافق ($۱۳/۹۹ =$ و $۰/۰۰۰۱ =$) و با وجدان بودن ($۹/۷۶ =$ و $۰/۰۰۲ =$) تفاوت معنادار بوده است، ولی در بقیه ویژگیهای فرضیه تأیید نمی‌شود. بنابراین با توجه به جدول ۶، بین میانگین نمرات پسران بدون پدر در ویژگی توافق ($۸۷/۴۵$) با میانگین پسران واجد پدر ($۸۰/۱۳$) تفاوت وجود دارد و مشخص شده است که توافق پسران بدون پدر بیش از پسران دارای پدر است. همچنین بین میانگین نمرات پسران بدون پدر در متغیر با وجدان بودن ($۹۲/۲۵$) و میانگین پسران دارای پدر ($۸۳/۹۷$) تفاوت وجود دارد و مشخص شده است که ویژگی با وجدان بودن پسران بدون پدر بیش از پسران دارای پدر است.

جدول ۶- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنیهای بدون و دارای پدر

گروه	مقیاس	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
پسر فاقد پسر	روان‌نژندی	۷۳/۸۰	۱۳/۱۳	۵۳	۹۴
	برونگرایی	۸۴/۳۳	۱۴/۱۷	۴۲	۱۰۴
	باز بودن	۶۶/۴۳	۷/۵۱	۴۸	۹۰
	توافق	۸۷/۴۵	۸/۳۱	۶۳	۱۰۱
	با وجدان بودن	۹۲/۲۵	۱۲/۹۲	۵۵	۱۱۵
	روان‌نژندی	۷۰/۲۵	۱۱/۸۸	۴۴	۱۰۰
پسر دارای پدر	برونگرایی	۸۴/۶۳	۱۰/۷۳	۶۳	۱۰۶
	باز بودن	۶۶/۴۷	۹/۱۲	۴۹	۹۰
	توافق	۸۰/۱۳	۱۰/۸۰	۴۷	۱۰۲
	با وجدان بودن	۸۳/۹۷	۱۳/۸۸	۴۳	۱۱۳

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، در متغیر روان‌نژندی میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر بدون پدر به ترتیب ۷۳/۸۰ و ۱۳/۱۳ می‌باشد و میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر دارای پدر ۷۰/۲۵ و ۱۱/۸۸ می‌باشد. در متغیر برون‌گرایی میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر بدون پدر ۸۴/۳۳ و ۱۴/۱۷ می‌باشد و میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دارای پدر ۸۴/۶۳ و ۱۰/۷۳ می‌باشد. در متغیر باز بودن میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر بدون پدر ۶۶/۴۳ و ۷/۵۱ می‌باشد و میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دارای پدر ۶۶/۴۷ و ۹/۱۲ می‌باشد. در متغیر توافق میانگین و انحراف معیار،

نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر بدون پدر ۸۷/۴۵ و ۸/۳۱ می باشد و میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دارای پدر ۸۰/۱۳ و ۱۰/۸۰ می باشد. در متغیر با دارای بودن میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان پسر بدون پدر ۹۲/۲۵ و ۱۲/۹۲ می باشد و میانگین و انحراف معیار، نمره آزمودنیها در گروه دانشجویان دارای پدر ۸۳/۹۷ و ۱۳/۸۸ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق و اینکه پدران در نسل فعلی جامعه ما و اغلب جوامع امروزی، نقش بسیار متفاوت از پدران مقتدر نسل های گذشته دارند. با این وجود، اهمیت نقش آنها و تأثیر آنها بر فرزندان بسیار زیاد است. این اهمیت از مقایسه کودکانی که در خانواده آنها پدر به طور دایم یا به طور موقت حضور نداشته است، قابل توجه است. از مجموع مطالعات انجام گرفته بر روابط مادر و کودک و همچنین فقدان پدر بر کودکان، تغییر و اصلاحی در دیدگاههای سنتی ایجاد گردیده و به تأکید و توجه بیشتری بر نقش والدین و تأثیرات آنها حتی بر نقش پدر و تأثیری که پدر در اجتماعی شدن کودک دارد تأکید شده است (قائمی، ۱۳۷۶). به طور کلی پذیرفته شده که رشد شخصیت فرد متأثر از والدین است و فقدان یکی یا هر دوی آنها می تواند به گونه ای بارز خود را در شخصیت فرزند نمود دهد و گاهاً فرد را مستعد برخی بیماری های روانی یا مشکلات رفتاری بعدی کند. معمولاً مادر به عنوان منبع اصلی مهر و عطوفت و پدر مظهر اقتدار و نظم و ترتیب جلوه می کند. بدون تردید ساختار خانواده و جایگاهی که کودک در خانواده اشغال می کند، نقش مهمی در رشد شخصیت وی ایفا می کند. غالباً ارتباطات اجتماعی کودک منحصر به مادر یا کس دیگری است که به جای مادر از او مراقبت می کند و ارتباط گسترده تر با محیط اطراف نیز از طریق مادر برقرار می شود. این وابستگی به مادر تا دو سالگی ادامه می یابد و از آن پس تماس کودک با فرزندان دیگر خانواده و اطرافیان آغاز می شود که آنها نیز تحت تأثیر مادر هستند (کریمی، ۱۳۷۸). به طور کلی مطالعات مشابه در مورد فقدان مادر چندان فراوان نیست، زیرا کمتر خانواده ای است که با فقدان مادر بتواند بدون جانشین مادر باقی بماند. اما

مطالعاتی در مورد آثار اشتغال مادر بر فرزندان توسط اتکینسون و همکاران انجام گرفته است. این مطالعات نتوانستند به روشنی نشان دهند که اشتغال مادر از نظر جنبه‌های عاطفی و سازگاری‌های این کودک اثرات زیانباری دارد. بر خلاف تصور عمومی معلوم شده است که این کودکان نه از نظر اضطراب و احساس وابستگی از کودکان مادران خانه‌دار بالاترند و نه از نظر کاهش اتکای به خود و اعتماد به نفس که تصور می‌رود عدم حضور مادر موجب آن باشد، چنین حالت‌هایی بیشتر قابل اسناد به عوامل محیطی و شرایط و موقعیتهای خانوادگی است. همچنین بر اساس مطالعات هونگ دختر، نقش جنسی خود و ویژگیهای خاصی که جامعه از وی انتظار دارد را از مادر فرا می‌گیرد، لذا حضور مادر تأثیر غیرقابل اغمازی در شکل‌گیری هویت واقعی وی دارد. طبق نظریه اریکسون افرادی که در مراحل رشد خود بحران‌ها را به خوبی پشت سر گذاشته باشند و هر یک از مراحل به صورتی رضایتبخش برخورد کنند، جنبه‌های مثبت شخصیت مانند اعتماد به دیگران، خودکفایی، اعتماد به نفس به میزان زیادی جذب ایگو می‌شود و به این ترتیب شخصیت به رشد سالم خود ادامه می‌دهد. برعکس اگر تعارضی استمرار یابد و ایگو در حال رشد آسیب ببیند و عناصر منفی شخصیت مانند بی‌اعتمادی، شک و تردید، احساس حقارت جذب ایگو می‌شوند و در نتیجه به شکل ناسالمی رشد می‌کند (احدی، ۱۳۸۰).

اینجا این سؤال پیش می‌آید که معنادار نشدن تفاوت برخی صفات شخصیتی در بین دو گروه بدون و دارای والد همجنس به چه عوامل دیگری بستگی داشته باشد یا به عبارت دیگر علاوه بر والدین و خانواده چه عواملی بر شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثرند، آیا گذشت زمان می‌تواند مرحمی بر پیکر نیم ساخته مجسمه شخصیت وجود فرد باشد. آیا دیگرانی هستند که جانشین این فقدان باشند.

مطالعات انجام شده روی فرزندان شاهد و نتایج به دست آمده از آن و مقایسه با سایر فرزندان بدون پدر نشان‌دهنده نقش مهم رفتارهای حمایتی در شکل‌گیری شخصیت می‌باشد. وجود حمایت‌های اجتماعی، تأثیر فراوانی در این افراد دارد، چرا که در فرهنگ جامعه ایران با دلایل مذهبی، اجتماع و حتی قومی بر اهتمام و رسیدگی به امور مختلف یتیمان تأکید می‌شود.

تبیین دیگری که می‌توان بدان اشاره نمود، بر اساس نظریه سرمشق‌گیری و تقلید مطرح می‌گردد، آیا فرد هنگامی که سرمشقی همچون والد خود را که می‌بایست با وی همانندسازی نماید، از دست بدهد، می‌تواند جایگزینی برای وی پیدا نماید. همان‌گونه که در فصل اول به آن اشاره شد، زندگی ماشینی امروزی و به حداقل رسیدن ساعاتی که کودکان با والدین در محیط خانواده هستند و حضور آنها در مراکز همانند مهدکودک و آمادگی در سنین اولیه و دوستان و همسالان سنین نوجوانی و نقش الگوها همگی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت دخیل باشد. با توجه به اینکه تحقیقاتی که به مقایسه دو گروه دارای و بدون والد پرداخته‌اند، عمدتاً در گروه‌های سنی راهنمایی و اول دبیرستان بوده‌اند، لذا سن آزمودنی می‌تواند به عنوان شاخص مهمی در بروز علائم ناشی از فقدان والد جلوه‌گر باشد. دانشجویان در مرحله‌ای هستند که به‌طور طبیعی به‌سوی استقلال‌طلبی، توجه به دوستان، هویت شکل گرفته توجه دارند. وجود تفاوت معنادار بین دو گروه بدون و دارای والد در صفات با دارای بودن و توافق نمودی از نظریه کلبگ و نقش الگویی والدین در آموزش مسائل اخلاقی و فرهنگی است و بدین صورت تبیین می‌شود.

تحقیقات انجام شده بیانگر این نکته هستند که فقدان والد هم می‌تواند در ویژگیهای شخصیتی مؤثر باشد و هم نباشد. چون تنها فقدان والد همجنس عامل مؤثر بر فرزندان نیست، بلکه سایر بازماندگان و ویژگیهای شخصیتی آنها نیز می‌تواند مؤثر باشد. با توجه به شرح گزیده‌ای از مطالعات انجام شده که در مقدمه آمده است، نتایج این تحقیق با نتایج مجتهدزاده (۱۳۸۲) و یحیایی (۱۳۷۳) و حبیبی‌نیا و صفی‌خانی (۱۳۷۴) میزان افسردگی دانش‌آموزان بدون والدین را بیشتر دانسته‌اند، پورفرجی (۱۳۸۰) تفاوت معناداری بین سلامت روان دانش‌آموزان بدون و دارای پدر یافته است، اسکروت و میشلز (۱۹۷۴) روان‌نژندی دختران حاصل ناتوانی مادر در نقش‌گذاری زنانه خویش و یا لاقیدی، عداوت و یا غیبت پدر بوده است و داوسون، راتر و براون (۱۹۹۱) شیوع خلق افسرده، اختلالات فوبی و به‌خصوص امتناع از مدرسه در بین کودکان محروم از پدر بیشتر است، همسو نمی‌باشد و نتایج با پژوهش‌های خیاط‌غیائی (۱۳۸۱)، ایزدفر (۱۳۸۰)، بخشی (۱۳۷۱) و رفاهی (۱۳۸۱)، وجود والدین را در محیط

خانواده برای سلامت و بهداشت روان کودکان از ضروریات می‌دانند و فقدان هر کدام از والدین را زمینه‌ساز آمادگی و گرایش به اختلالات خلقی، رفتاری و عاطفی بیان داشتند، کاسن و همکاران (۱۹۹۶) با این مطلب که کودکانی که با تک والد (مادر) خود زندگی می‌کنند، در مقایسه با کودکانی که با هر دو والد واقعی زندگی می‌کنند احتمال بیشتری دارد اختلالی اضطرابی و مختل‌کننده داشته باشند. پسرانی که با تک والد (مادر) خود زندگی می‌کنند در مقایسه با آنهایی که با هر دو والد واقعی خود زندگی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که دچار افسردگی شوند، موت و همکاران (۱۹۹۶) در این موضوع که پسران و دخترانی که پدرانشان اخیراً آنها را ترک نموده‌اند، مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به نوجوانانی که با هر دو والد واقعی خود زندگی می‌کنند از خود بروز داده‌اند، آنجل و همکاران که گفته‌اند، کودکان خانواده‌های تک والد احتمال بیشتری دارد که مشکلات هیجانی را تجربه کنند، فیسکه و همکاران (۱۹۷۲) که معتقدند سبک زندگی و ارزش‌های فرهنگی-اقتصادی کودکان خانواده‌های تک والد با سایرین متفاوت است، همسو می‌باشد.

منابع

- آدامز، میلر و شریف. (۱۹۸۵)، *روانشناسی کودکان محروم از پدر*، ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران، (۱۳۷۰)، چاپ اول، انتشارات تربیت.
- اتکینسون، ریتا و همکاران. (۱۹۸۳)، *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، (۱۳۸۱)، چاپ شانزدهم، انتشارات رشد.
- احدی، حسن و فرهاد جمهری. (۱۳۸۰)، *روانشناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات پردیس.
- ایزدفر، داریوش. (۱۳۸۰)، «مقایسه رشد اجتماعی و ویژگیهای شخصیتی دانش‌آموزان بدون پدر با دانش‌آموزان دارای پدر در دبیرستان‌های شهرکرد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- بخشی، گلناز. (۱۳۷۱)، «بررسی میزان افسردگی و پرخاشگری در کودکان شاهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

پورفرجی، سید فرج. (۱۳۸۰)، «مقایسه عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموزان بدون و دارای پدر با توجه به نقش تعیین‌کننده حمایت اجتماعی در پایه اول دبیرستان‌های شهرستان اهواز»، *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران*، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره‌های ۳ و ۴.

حبیبی‌نیا، مژگان و حمیدرضا صفی‌خانی. (۱۳۷۴)، «بررسی فراوانی افسردگی در فرزندان شاهد در مقایسه با سایر همسالان (دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه)»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.

خیاط غیائی، پروین. (۱۳۸۱)، «مقایسه عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان دختر بدون و دارای پدر با توجه به نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی و با کنترل عزت نفس و هوش آنان در پایه اول تحصیلی دبیرستان‌های شهرستان اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

رفاهی، ژاله. (۱۳۸۱)، «تأثیر طلاق والدین در افسردگی دختران دبستانی»، دومین کنگره روان‌شناسی بالینی انجمن روان‌شناسی ایران، سایت اینترنتی www.Iranpa. شاملو، سعید. (۱۳۸۲)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، چاپ هفتم، انتشارات رشد.

شاهنده، مریم. (۱۳۸۳)، «ساخت و اعتباریابی فرم کوتاه شده آزمون IPIP-NEO و کاربرد آن در مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانشجویان بدون و دارای والد همجنس دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

شولتز، دوان. (۱۹۹۸)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، (۱۳۸۱)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات نشر و ویرایش.

قائمی، علی. (۱۳۷۶)، *نقش پدر در تربیت*، چاپ دوم، انتشارات امیری.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۸)، *روانشناسی شخصیت*، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه نشر و ویرایش.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۱)، «کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران»، مقاله دومین کنگره روان‌شناسی بالینی ایران، سایت اینترنتی www.Iranpa.org.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰)، *روانشناسی رشد*، چاپ سوم، انتشارات سمت.

مجتهدزاده، فاطمه سادات. (۱۳۸۲)، «مقایسه اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای ناپدیری یا نامادری با دانش‌آموزان دارای پدر و مادر سال سوم راهنمایی مدارس اهواز در سال تحصیلی ۸۱-۸۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

ملکی چگنی، فردوس. (۱۳۸۱)، «مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان بدون پدر و دارای پدر با توجه به نقش تعدیل‌کننده بهداشت روانی و حمایت ادراک شده مادران در دبیرستان‌های شهرستان خرم‌آباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

یحیایی، قربانعلی. (۱۳۷۳)، «بررسی رابطه بین عزت نفس و افسردگی در دانش‌آموزان بدون و دارای پدر دبیرستان‌های زلزله‌زده رودبار در سال تحصیلی ۱۳۷۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

ADAMS, P. L. MILNER, I. R. & SCHREF, N. A. (1985). *Fatherless children*, new york: Wiley Press.

BLACK, SANDRA, M. (1988). *personality libraries as communications*, newyork; wiley press.

CALIGIURI, PAULA, M. (2000). The big five personality characteristics as predictors of expatriate's desire to terminate the assignment and supervised performance. *journal personnel psychology* . 53,67 – 88.

FISKE, D. W. (1979). Consistency of the factorial structures of personality ratings from different sources. *The journal of abnor, al and social psychology*, vol. 44 .

GERSHANSKY, S. LEVY-SHIF, R. (1982). The Effect of father absence on young children in mother-headed families. *Child development Journal*.

HETERINGTON, E. M. (1976). effect of father absence on personality development in adolescent daughters, *Developmental Psychology*. Vol. 7, No. 3, pp. 313 – 326 .

HONG, GONG-SOOG and WHITE MEANS, SHELLY. L. (1993). *Do working Mothers Have Healthy children ? Journal of family and Economic Issues*, 14, 163186 .

- JOHNSON, JOHN. A. (1999). Intrnational Personality Item Pool. www. Personality test.net/ipip/ipipneo/120.htm
- JOHNSON, JOHN. A. HAFFMAN, JOHN. P. & GERSTEIN, DEAN. R. (1996). The Relationship between family structure and Adolescent substance use. National opinion Research center for the united states department of health and Human servises, washington.
- KASEN, STEPHANIE, COHEN, PATRICIA, BROOK, JUDITH. S. (1996). A Multiple_risk Interaction Model: Effects of Temperament and Divore on Psychiatric Disorders in children, Journal of Abnormal child Psychology, 24,121–150.
- LAMB, M. E. (1981). the role of father to child development: Wiley Press.
- LEWIS, C. & OBRIN, M. (1987). Reassessing fatherhood, Beverly Hills.
- MOSSSEN, C. A. and COUCE, A. M. & GOZOLES, N. F. & HIRAGA, Y. (1994). Adojlescence problem behavior. American Journal of community Psychology. Vol. 22, No. 6, pp. 723–743.
- MOTT, FRANK L. KOWALESKI-JONES, LORI and MENAGHEN ELIZABETH G. (1997). Paternal absence and child Behavior : Does a child's Gender Make a Difference? Journal of marriage and the family, 59,103–118.
- SHILL, M. (1987). Nevroticism, Somatic complaints, and disease: Is the bark worse than the bite? Journal of personality. Vol. 55, No. 22.
- SINGH, R. PANDEY, D. & KUMAR, A. & JAIN, R.K. & YADAV, B. S. (1981). Childhood parental loss and subsequent adult depression, Asian Journal of psychology and Education, Vol. 7, No. 2, pp. 50–54.
- SUTTON-SMITH. (1968). Missing father, Webs. Wichita. edu.

تاریخ وصول: ۸۵/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱/۳۰